

قاعده واسطه فیض در اثبات ضرورت وجود ولی خداوند در هر زمان

فهرست مطلب

۳.....	معنا و مفهوم قاعده واسطه فیض.....
۳.....	توضیح مفردات عنوان قاعده.....
۳.....	واژه «فیض».....
۳.....	وساطت فیض.....
۳.....	واسطه رسانیدن پیام خداوند به انسان‌ها (فیض تشریعی):.....
۳.....	واسطه شفاعت خواهی در سرای آخرت:.....
۳.....	واسطه در دعا:.....
۳.....	واسطه در ایجاد قابلیت:.....
۴.....	واسطه در آفرینش عالم:.....
۴.....	دلایل نیاز به واسطه فیض.....
۴.....	دلایل عقلی.....
۴.....	قاعده «الواحد».....
۴.....	لزوم سنخیت بین علت و معلول.....
۴.....	دلیل نقلی (بر اساس آیات ولایت).....
۵.....	اثبات مهدویت از طریق قاعده واسطه فیض.....
۵.....	کارکرد واسطه فیض بودن امام در اندیشه مهدویت.....
۵.....	امنیت اهل زمین.....
۵.....	جاری شدن کمالات از طریق امام.....
۵.....	صیانت از دین.....
۶.....	پانویس.....
۶.....	منابع.....

قاعده واسطه فیض در اثبات ضرورت وجود ولی خداوند در هر زمان

یکی از قواعد عقلی که با آن می توان اصل مسئله مهدویت و وجود حجت را اثبات کرد، قاعده واسطه فیض (امکان اشرف) است. زیرا نوع نبی و امام، بیشترین نزدیکی را به خالق دارند. هر نوعی که چنین باشد، واسطه فیض الهی است بنابراین نوع نبی و امام، واسطه فیض الهی است.

معنا و مفهوم قاعده واسطه فیض

بر اساس این قاعده، خداوند متعال که منشأ فیض است، فیض خود را از طریق واسطه به مخلوقات می رساند. این واسطه، همان حجت الهی است که در هر زمان وجود دارد و برکات الهی به واسطه او و از طریق وی به مخلوقات می رسد و چنانچه این واسطه نباشد، نظام هستی در هم پیچیده می شود و دیگر ادامه حیات برای مخلوقات ممکن نخواهد بود.[۱]

توضیح مفردات عنوان قاعده

واژه «فیض»

فیض، مصدر «فَاضَ یَفِیضُ» بوده و در اصل لغت به معنای جریان داشتن چیزی با سهولت و آسانی می باشد.[۲] عرب، هنگامی که آب در ظرفی، روان و ریزان شود، به «فَاضَ الْمَاءُ» تعبیر می کند.[۳] در اصطلاح فلسفه و عرفان، فیض به فعل فاعلی اطلاق می شود که همیشه و بدون عوض و غرض در جریان است. چنین فاعلی دارای وجود ازلی و ابدی است[۴] و از این جهت، حق را مبدأ فیاض گویند.[۵] تهانوی بعد از ذکر این معنای اصطلاحی، اطلاق دیگری برای این کلمه ذکر می کند و آن، دوام و اتصال فعل می باشد.[۶] برخی نوشته اند: فیض دو کاربرد اصلی دارد: یک بار به معنای اسم مصدر و حاصل کار، و یک بار به روند و فرآیند کار آمده است مانند خلق که به معنای مخلوق و نتیجه فعل است و یک بار به معنای روند آفریدن و صفت فعل خداوند است و در بحث واسطه فیض، معنای دوم مراد است یعنی در روند افاضه، وجود واسطه لازم است.[۷] واژه فیض و مشتقاتش یازده بار در قرآن به کار رفته که در اکثر موارد، معنای لغوی آن مورد نظر بوده است.[۸]

وساطت فیض

این که انبیاء و اولیاء و ائمه: واسطه فیض اند، به چند صورت قابل تفسیر است:

واسطه رسانیدن پیام خداوند به انسان ها (فیض تشریعی):

انسان تا پیش از بلوغ و سن تکلیف در عالم حیوانی به سر می برد و تنها پس از سن تکلیف و به واسطه حجت الهی است که از فیض انسانیت برخوردار می شود.

واسطه شفاعت خواهی در سرای آخرت:

چنانچه قرآن کریم می فرماید: «يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا» [۹] (در آن روز، شفاعت هیچ کس سودی نمی بخشد، جز کسی که خداوند رحمان به او اجازه داده و به گفتار او راضی است).

واسطه در دعا:

اگر انبیاء و ائمه که مستجاب الدعوه هستند برای ما دعا کنند، خداوند خواسته ما را برآورده می کند. به معنای غایت و هدف:

هدف آفرینش، عبادت و معرفت خداوند است و حقیقت این دو امر، تنها در وجود انبیاء و ائمه محقق می شود و چون فعل بدون غایت، محکوم به فنا است، لذا باید وجود مستمر یکی از اولیاء باشد تا فیض الهی قطع نگردد.

واسطه در ایجاد قابلیت:

انبیاء و ائمه: با گفتار و کردارشان — که برگرفته از وحی است، بندگان را ارشاد می کنند تا در نتیجه، قابلیت دریافت مراحل بالای فیض و تداوم آن را پیدا کنند. این ارشاد گاهی از راه تصرف در نفوس انجام می شود.

واسطه در آفرینش عالم:

انبیاء و ائمه: در مرتبه‌ای قرار دارند که شایستگی دریافت بلاواسطه فیض را دارا هستند و سایر موجودات که فاقد آن مرتبه‌اند تحت ولایت آن‌ها که در طول ولایت خداوند و به اذن اوست- قرار گرفته و کسب فیض می‌کنند.[۱۰]

از بین معانی یاد شده، دو معنای اخیر، مورد بحث است.[۱۱] البته برخی معنای دیگری از وساطت فیض گمان کرده‌اند و آن این است که انبیاء و ائمه، فیض را از خدا می‌گیرند و به خلق می‌دهند. این تفسیر، درست نیست و نه تنها دلیلی برای اثبات این مدعا وجود ندارد بلکه ادله بر خلاف آن قائم است و این عقیده با توحید افعالی منافات دارد.[۱۲]

دلایل نیاز به واسطه فیض

دلایل عقلی

قاعده «الواحد»

خداوند واجب تعالی، بسیط و غیر مرکب است. او «أَحَدٌ الذَّاتُ وَالصَّفَاتُ» است یعنی صفات او عین ذات اوست. بنابراین، در ذات او کثرت راه ندارد و بر اساس قانون «الواحد لا یصدر عنه الا الواحد»، صدور کثیر از خداوند ممکن نیست و صادر از او، موجود واحدی بیش نخواهد بود و این موجود واحد، واسطه فیض خداوند خواهد بود.[۱۳]

لزوم سنخیت بین علت و معلول

معلول با علتش مناسب است، نه بین آن دو تخالف تام هست و نه تشابه تام، و بر اساس آیه شریفه «قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ» [۱۴] (بگو که هر کس بر حسب ذات و طبیعت خود عملی انجام خواهد داد) مخلوقات مادی و حتی مجردات به علت ضعف وجودی نمی‌توانند مستقیماً از خداوند که در نهایت شدت وجود است پدید آیند. لذا لازم است معلول اول، از لحاظ شدت وجودی به گونه‌ای باشد که بتواند از خدا صادر باشد. بنابراین، معلول اول دو حیث دارد: یکی آن که دارای چنان شدت وجودی است که می‌تواند معلول مستقیم خدا باشد، و دوم آن که می‌تواند جهت کثرت داشته باشد و به واسطه او مخلوقات دیگر پدید آمده و از فیض وجود بهره‌برند. پس در واقع، فیض و خلقت اصلی، واسطه و صادر اول است و فیض خدا از طریق او و در امتداد وجود او به کائنات می‌رسد.[۱۵]

دلیل نقلی (بر اساس آیات ولایت)

بر اساس آیه «أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَالَ هُوَ الْوَلِيُّ» [۱۶] (آیا آن‌ها غیر از خدا را ولی خود برگزیدند؟! در حالی که «ولی» فقط خداوند است)، ولایت مطلقه منحصر در ذات باری تعالی است و حق هر گونه تصرف و تدبیر در هر موجودی را که بخواهد دارد و هیچ کس مانع اعمال ولایت الهیه نمی‌تواند باشد. طبق آیه شریفه «أَنْتَ وَلِيُّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» [۱۷] (تو ولی و سرپرست من در دنیا و آخرت هستی)، انسان نیز در دنیا و آخرت تحت ولایت خداست؛ بی آن که در آفرینش خود دخالتی داشته و یا در ذات و صفات و افعالش استقلال داشته باشد یا برای خود مالک نفع و ضرر و یا مرگ و حیات و یا نشوری باشد. ولایتی که در آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» [۱۸] (سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آن‌ها که ایمان آورده‌اند؛ همان‌ها که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌دهند) مطرح شده، اعم از ولایت تشریعی و تکوینی است؛ یعنی همان‌گونه که خداوند بر اساس محبت و رحمت، عهده‌دار تشریع قانون و بیان چگونگی اجرای آن برای مردم است، تکویناً نیز در آن‌ها تصرف می‌کند. در این آیه در کنار ولایت خدا، ولایت رسول خدا (ص) و «الَّذِينَ آمَنُوا» هم ذکر شده و طبق روایات، مراد از «الَّذِينَ آمَنُوا» شامل همه امامان: می‌باشد.[۱۹] بنابراین ولایت رسول خدا(ص) و و ائمه اطهار(ع) نیز اعم از ولایت تشریعی و تکوینی است؛ زیرا وحدت سیاق داخلی آیه اقتضا دارد که ولایت رسول خدا(ص) و امامان: از نوع ولایت خداوند باشد. در آیه مذکور با این که متعلق ولایت، خصوص انسان بیان شده ولی از آن جایی که جهان هستی، یک نظام به هم پیوسته و منسجم است و انسان نیز جزئی از این عالم است، تدبیر انسان از تدبیر جهان هستی و ولایت بر انسان از ولایت بر جهان جدا نیست. بنابراین در آیه مذکور، ولایت به معنای حق تصرف و تدبیر در تمام عالم هستی است و چون رسول و «الَّذِينَ آمَنُوا» با حرف واو به «الله» عطف شده‌اند، همان ولایتی که منحصرأ در مورد خدا بیان شده، درباره پیامبر و «الَّذِينَ آمَنُوا» هم اثبات می‌شود؛ با این تفاوت که ولایت خداوند بالأصالة و ذاتی و مطلق است اما ولایت آن‌ها بالعرض و به اذن خداست.[۲۰]

دلیل نقلی مذکور، هم نیاز به واسطه فیض را اثبات می‌کند و هم اثباتگر واسطه فیض بودن معصومان: می‌باشد. نکته دیگر آن که واسطه فیض بودن معصومان: منحصر در وجود جسمانی آنان نبوده و شامل وجود نوری آنان نیز می‌شود. [۲۱] در جای جای زیارت جامعه کبیره، وساطت مادی و معنوی ائمه: مورد تأکید قرار گرفته است؛ مانند: «وَ أَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ، وَ هُدَاةُ الْأَبْرَارِ، وَ حُجَجُ الْجَبَّارِ، بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ، وَ بِكُمْ يَخْتَمُ اللَّهُ، وَ بِكُمْ يُنْزَلُ الْغَيْثُ، وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ» (و شما یید نور قلب خوبان و هدایت کنندگان نیکوکاران و حجت‌های خدای مقتدر جبار، خدا به شما افتتاح عالم ایجاد کرد و به شما نیز ختم کتاب آفرینش فرمود و به واسطه شما خدا بر ما باران رحمت نازل کرد و به واسطه شما آسمان را به پاداشت تا بر زمین جز به امرش فرو نیاید).

ثبات مهدویت از طریق قاعده واسطه فیض

از آن جا که قاعده واسطه فیض، یک قاعده عقلی است و قواعد عقلی، کلی‌نگرند؛ این قاعده، عهده‌دار اثبات اصل مهدویت است نه شخص حضرت مهدی (عج). قیاس ذیل یکی از قیاس‌های اثباتگر اصل مهدویت بر اساس قاعده واسطه فیض است: صغری: نوع نبی و امام، بیشترین نزدیکی را به خالق دارند. (این قضیه بدیهی است و خود عنوان نبوت و امامت، حاکی از بیشترین قرب وجودی و مقام والای نبی و امام می‌باشد) کبری: هر نوعی که چنین باشد، واسطه فیض الهی است. (به خاطر لزوم سنخیت بین علت و معلول، که بیانش گذشت) نتیجه: پس نوع نبی و امام، واسطه فیض الهی است.

کارکرد واسطه فیض بودن امام در اندیشه مهدویت

کارکرد واسطه فیض بودن امام را در عالم هستی، می‌توان در موارد متعددی برشمرد از جمله:

امنیت اهل زمین

امام در نظام هستی، به مانند هسته مرکزی عالم و عامل بقای آن و موجب امان اهل زمین است. امام سجاد (ع) می‌فرماید: «نَحْنُ أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ» [۲۲] «ما مایه امنیت اهل زمینیم، چنان که ستارگان، مایه امنیت اهل آسمان‌اند». [۲۳] دفع شر دشمنان و دفاع از مظلومان امام همواره بر دفع بلا از مسلمانان تلاش دارد و از طرق مختلف و قدرت‌های مادی و معنوی که در اختیار دارد، از شیعه دفاع می‌کند. امام زمان (عج) می‌فرماید: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَا نَحْنُ لَا ذَلِكَ لَنَزَلِ بِكُمْ الْأَوَاءُ وَ اصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ» [۲۴] «ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را فراموش نمی‌کنیم، اگر جز این بود گرفتاری‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان، شما را ریشه‌کن می‌کردند». [۲۵]

جاری شدن کمالات از طریق امام

هر گامی که در نیل به کمال علمی، عملی و هدایتی در فرد و جامعه برداشته می‌شود، به وساطت امام حاصل می‌گردد و امام با ولایت باطنی خود، مردم را طوری هدایت می‌کند که آن‌ها را به هدف اصلی (اخراج از ظلمات به سوی نور) رهنمون می‌سازد: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» [۲۶] (خداوند، ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ آنها را از ظلمت‌ها به سوی نور بیرون می‌برد). خداوند متعال در آیه‌ای دیگر، درباره هدایت باطنی که از اوصاف امام است می‌فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» [۲۷] «(و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما، (مردم را) هدایت می‌کردند)». [۲۸]

صیانت از دین

امام به جهت برخورداری از علم الهی و مقام عصمت، حافظ شریعت و عامل صیانت دین از تحریف است. این مسئولیت گاهی با اعمال مستقیم ولایت امام انجام می‌گیرد؛ چنان که امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «بَلَى اللَّهُمَّ لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ إِلَّا ظَاهِرٍ مَعْلُومٍ أَوْ خَائِفٍ مَغْمُورٍ لِنَّا تَبَطَّلَ حُجَجُ اللَّهِ وَ بَيَّنَّاتُهُ» [۲۹] «آری هیچ‌گاه زمین، از دلیل و حجت الهی خالی نمی‌ماند؛ خواه ظاهر و آشکار باشد یا مخفی و پنهان، تا حجت‌ها و دلایل روشن الهی باطل نگردد) و گاهی با اعمال غیرمستقیم ولایت به وسیله نائبان خاص و عام امام صورت می‌گیرد:

قاعده واسطه فیض در اثبات ضرورت وجود ولی خداوند در هر زمان

«وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةٍ حَدِيثَنَا فَإِنَّهُمْ حَجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» [۳۰] «(در رویدادهایی که اتفاق می‌افتد به راویان حدیث ما مراجعه کنید زیرا آن‌ها حجت من بر شما و من حجت خدا بر آنان هستم). [۳۱]

پانویس

- ↑ر.ک: یوسفیان، مهدی، «نقش امام در نظام آفرینش»، فصلنامه انتظار موعود، ش ۴۶، ص ۶۵.
- ↑ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۴۶۵.
- ↑راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، ص ۶۴۸.
- ↑تهانوی، محمدعلی، کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، ج ۲، ص ۱۲۹۳؛ صلیبا، جمیل، فرهنگ فلسفی، ص ۵۰۸.
- ↑سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، ج ۳، ص ۱۴۴۶.
- ↑تهانوی، محمدعلی، کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، ج ۲، ص ۱۲۹۳.
- ↑لطیفی، رحیم، دلایل عقلی و نقلی امامت و مهدویت، ص ۶۸-۶۹.
- ↑همان، ص ۶۸.
- ↑سوره طه، آیه ۱۰۹.
- ↑ر.ک: طیب، سید عبدالحسین، کلم الطیب در تقریر عقاید اسلام، ص ۹۳؛ لطیفی، رحیم، دلایل عقلی و نقلی امامت و مهدویت، ص ۱۰۴-۱۰۶؛ یوسفیان، مهدی، «نقش امام در نظام آفرینش»، فصلنامه انتظار موعود، ش ۴۶، ص ۶۵.
- ↑لطیفی، رحیم، دلایل عقلی و نقلی امامت و مهدویت، ص ۱۰۶.
- ↑طیب، سید عبدالحسین، کلم الطیب در تقریر عقاید اسلام، ص ۹۳.
- ↑ر.ک: لطیفی، رحیم، دلایل عقلی و نقلی امامت و مهدویت، ص ۸۱-۸۲؛ یوسفیان، مهدی، «نقش امام در نظام آفرینش»، فصلنامه انتظار موعود، ش ۴۶، ص ۶۶-۶۷ البتّه برخی با نادرست دانستن کلیت قاعده الواحد، دلیل عقلی فوق را نپذیرفته اند.
- ↑سوره اسراء، آیه ۸۴.
- ↑یوسفیان، مهدی، «نقش امام در نظام آفرینش»، فصلنامه انتظار موعود، ش ۴۶، ص ۶۷.
- ↑سوره شوری، آیه ۹.
- ↑سوره یوسف، آیه ۱۰۱.
- ↑سوره مائده، آیه ۵۵.
- ↑ر.ک: بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۰۳.
- ↑ر.ک: رحیمی نژاد قره آغاچ، نادره، و دیگران، «وساطت فیض امام در عصر غیبت با رویکرد کارکردگرایی»، فصلنامه پژوهش‌های مهدوی، ش ۴۰، ص ۱۱۷-۱۲۰.
- ↑ر.ک: لطیفی، رحیم، دلایل عقلی و نقلی امامت و مهدویت، ص ۸۷ به بعد.
- ↑ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۰۷.
- ↑ر.ک: رحیمی نژاد قره آغاچ، نادره، و دیگران، «وساطت فیض امام در عصر غیبت با رویکرد کارکردگرایی»، فصلنامه پژوهش‌های مهدوی، ش ۴۰، ص ۱۲۳-۱۲۵.
- ↑طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷.
- ↑ر.ک: رحیمی نژاد قره آغاچ، نادره، و دیگران، «وساطت فیض امام در عصر غیبت با رویکرد کارکردگرایی»، فصلنامه پژوهش‌های مهدوی، ش ۴۰، ص ۱۲۵.
- ↑سوره بقره، آیه ۲۵۷.
- ↑سوره انبیاء، آیه ۷۳.
- ↑ر.ک: رحیمی نژاد قره آغاچ، نادره، و دیگران، «وساطت فیض امام در عصر غیبت با رویکرد کارکردگرایی»، فصلنامه پژوهش‌های مهدوی، ش ۴۰، ص ۱۲۶-۱۲۷.
- ↑ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبه، ص ۲۵.
- ↑ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۴.
- ↑ر.ک: رحیمی نژاد قره آغاچ، نادره، و دیگران، «وساطت فیض امام در عصر غیبت با رویکرد کارکردگرایی»، فصلنامه پژوهش‌های مهدوی، ش ۴۰، ص ۱۲۷-۱۲۸.

منابع

قرآن کریم.

- ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، ۱۳۹۷ ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، انتشارات اسلامی، ج ۲، ۱۳۹۵ ق.
- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق و تصحیح: عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- ابن مشهیدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، تحقیق و تصحیح: جواد قیومی اصفهانی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۹ ق.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق: بنیاد بعثت(واحد تحقیقات اسلامی)، قم، مؤسسه البعثه(قسم الدراسات الاسلامیه)، ۱۴۱۵ ق.
- تهانوی، محمدعلی، کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، تحقیق و تصحیح: علی دحروج، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون، ۱۹۹۶ م.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ ق.

رحیمی نژاد قره آغا، نادره، و دیگران، «وساطت فیض امام در عصر غیبت با رویکرد کارکردگرایی»، فصلنامه پژوهش‌های مهدوی، سال دهم، ش ۴۰، ص ۱۱۱-۱۳۰، ۱۴۰۱ ش.

سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۳، ۱۳۷۳ ش.

صلیب، جمیل، فرهنگ فلسفی، ترجمه: منوچهر صانعی دره‌بیدی، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۶۶ ش.

طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، تحقیق و تصحیح: محمدباقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.

طیب، سید عبدالحسین، کلم الطیب در تقریر عقاید اسلام، بی‌تا، کتابخانه اسلام، چ ۴، ۱۳۶۲ ش.

لطیفی، رحیم، دلایل عقلی و نقلی امامت و مهدویت، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود Q، ۱۳۸۷ ش.

یوسفیان، مهدی، «نقش امام در نظام آفرینش»، فصلنامه انتظار موعود، سال چهاردهم، ش ۴۶، ص ۶۱-۸۰، ۱۳۹۳ ش.

<https://wikimahdaviat.ir/fa/%D9%88%DB%8C%DA%A9%DB%8C/%D9%85%D8%B9%D8%A7%D8%B1%D9%81-%D9%85%D9%87%D8%AF%D9%88%DB%8C%D8%AA/%D9%82%D8%A7%D8%B9%D8%AF%D9%87-%D9%88%D8%A7%D8%B3%D8%B7%D9%87-%D9%81%DB%8C%D8%B6>